

بررسی رویکرد امنیت اجتماعی و آسیب های زندگی شهری زنان

طیبه ستایش فر

۱- کارشناس انجمن اولیا و مربیان، دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی
ایمیل: t_setayeshfar@yahoo.com

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از اساسی ترین نیازهای هر جامعه است که بدون آن امکان فعالیت آزادانه انسان محدود می شود. احساس امنیت اجتماعی متأثر از عوامل متعددی است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه گروه آسیب پذیری هستند که امنیت آنها از راه های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد. با توجه به اهمیت موضوع خصوصاً برای زنان، تحقیق حاضر به مطالعه نظریه های امنیت و آسیب های زندگی شهری پرداخته است، زیرا احساس امنیت مقوله ای فراتر از صرف وجود امنیت در جامعه است که در این تحقیق سعی داریم عوامل موثر بر آن را بررسی و مطالعه کنیم. تکنیک مورد استفاده کیفی- توصیفی است. نتایج تحقیق گویای این است که عواملی چون، رضایت تاهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران، تعهد، آسیب های اجتماعی... از عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان زنان هستند که در این حمایت خانواده بیشترین تاثیر را دارد.

واژه های کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، مساله اجتماعی

مقدمه

ارتباط و تعامل انسانی در یک زیست جمعی به طور کلی در چهار حوزه اصلی زندگی صورت می گیرد که ایجاد و تداوم این چهار حوزه موجب تداوم زندگی بشری می شود؛ در اقتصاد، منابع مادی و زیستی و نحوه تولید آنها برای برآوردن نیازهای اساسی؛ در اجتماع، عناصر اجتماعی و شیوه های استمرار آن برای ادامه زندگی اشتراکی؛ در سیاست، واحدها و عناصر دولتی و نظامی برای ایجاد نظم، دفاع، امنیت و کنترل جامعه؛ در فرهنگ، عناصر فرهنگی و ارزشی و نحوه تعریف پدیده های اجتماعی و ارزیابی آنها برای حفظ، تقویت و تداوم باورها، زندگی انسانها را تحت شعاع خود قرار داده اند. امنیت در تمام ابعاد زندگی روزانه فرد حاضر است. امنیت عملاً تمام ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد. صحبت از امنیت فردی، امنیت ملی، امنیت اجتماعی، امنیت هوایی، امنیت جاده ای، امنیت غذایی، ... نشانی از فراگیر بودن امنیت در تمام وجوه زندگی فردی است. در عین حال، انگاره امنیت آن قدر بدیهی و آشکار به نظر می رسد که برای تامل و پرسش درباره آن به خود زحمتی نمی دهیم. امنیت وجود دارد و ذاتی جامعه است، اما همان گونه که کوستلر^۱ بیان می کند: " بدیهی ترین چیزها آنهایی هستند که بیشتر نیازمند آزمون و بررسی هستند" (کوستلر؛ به نقل از ولفرز، ۱۳۹۶). اکثر صاحب نظران بر آنند که امنیت مفهوم ی بیرونی و عینی است و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده فرد و احساس امنیت به معنای عدم وجود احساس دورنی ناامنی است. در این زمینه می توان خاطرنشان نمود که احساس امنیت میتواند با امنیت واقعی تناسب داشته باشد یا تناسب نداشته باشد، یعنی در شرایطی که امنیت عینی وجود نداشته باشد، فرد احساس امنیت داشته باشد یا اینکه عوامل ایجاد کننده امنیت واقعاً وجود داشته اما فرد احساس امنیت نداشته باشد. « احساس امنیت» از موضوعات بین رشته ای است که حوزه های چون روانشناسی، جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی، مطالعات امنیتی، علوم سیاسی و حتی فلسف اجتماعی، هر یک از منظر خاصی به ابعاد و زوایای آن پرداخته اند. احساس امنیت با طرح مسایلی چون جامعه پذیر، امنیت وجودی، رفاه اجتماعی بعد از دهه ۶۰ در قرن بیستم وارد مطالعات تجربی شد. بر این اساس ادبیات نظری احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود امنیت، توسعه و گسترش پیدا کرد. با این توسعه ادبیات و مطالعات انجام شده، دیگر احساس امنیت به عنوان آن روی سکه امنیت تلقی نمی شود بلکه احساس امنیت به عنوان موضوعی قلمداد می شود که در فضای اجتماعی جامعه با منطق خاص، تولید، حفظ و باز تولید می شود و بر این مبنا برای خود استقلال موضوعیت پیدا کرده است (بیات، ۱۳۸۸، ص ۹).

در نخستین برنامه ریزی های شهری در نیمه نخست قرن بیستم، شهرها براساس تفکیک کارکردها به شیوه سنتی مورد توجه قرار گرفته اند، یعنی زنان به حوزه خصوصی و مردان به حوزه عمومی تعلق داشته اند. این تفکیک با وجود افزایش شهرنشینی، توسعه شهرها و تغییرات همچنان باقی مانده است و باعث ایجاد تناقضی شده است که نتیجه آن ناامنی زنان در فضاهای شهری است. زندگی زنان در شهرها همواره تحت تاثیر نبود امنیت شهری واقعی یا بالقوه است و این امر مانع دیگری برای زنان است که نتوانند شهروندان فعال همه جانبه باشند. فق دان یا پایین بودن امنیت اجتماعی زنان علاوه بر ایجاد عوارض جسمی و روحی و هزینه های درمانی و اجتماعی پیامدهای جبران ناپذیری همچون بالا رفتن تنش، استرس و اضطراب و بیماری های روحی و روانی چون افسردگی برای زنان را به دنبال دارد.

زنان در گذشته اغلب اوقات خود را در منزل و جهت انجام فعالیت های خانگی صرف می نمودند، در حالی که امروزه بخش عمده ای از فرصت های آنها در محیط های اجتماعی و شغل می گذرد و این وارد شدن به محیط های مختلف شغلی و اجتماعی با به جای گذاشتن اثرات قابل ملاحظه ای بر خانواده، تحولات اساسی در روابط، شکل و ترکیب آن ایجاد نموده است. به دلیل اینکه زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان های بسیار، بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می گذرانند، در نتیجه امکان مواجهه با آسیب های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است از این رو چنین به نظر می رسد که لازم است جدی تر مورد بحث قرار گیرد. به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه این وجود نداشته

باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد بود. با توجه به آن چه گفته شد مطالعه علمی و دقیق مقوله ی احساس امنیت اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و هم چنین توجه به تفاوت میزان احساس امنیتی که از سوی مردان و زنان در یک جامعه وجود دارد ضروری به نظر می رسد. امروزه نگاه به مسائل و آسیب های امنیتی می تواند از زوایای گوناگونی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبانگیر زنان جامعه است که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند. در واقع، با گسترش جوامع پدیده هایی اعم از افزایش تورم و هزینه های بالای زندگی، فقر، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان و زمینه های ناهنجاری های اجتماعی آنان را فراهم می کند و این امر موجب احساس ناامنی و فقدان مشارکت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی می گردد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به توضیحات ارائه شده، مقاله حاضر که مبتنی بر نتایج یک تحقیق کیفی است، می کوشد عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زنان را آشکار سازد.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. در تعریف « لغوی» امنیت عبارت از محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است. یکی از انواع امنیت، امنیت اجتماعی است که از جایگاه و موقعیت برجسته ای برخوردار بوده و تولید آن و همچنین پایدار سازی آن نیازمند مقدمات و زمینه های نسبتاً پیچیده ای بوده و آسیب پذیری و زوال آن نیز تحت تاثیر زمینه ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها ضرورتی اساسی دارد. سالانه 2 تا 4 میلیون زن مورد خشونت واقع می شوند. هرزن در طول عمر خود 20 تا 30 درصد احتمال دارد که در معرض خطر خشونت قرار گیرد. از بین افراد مسن، 1/8 میلیون نفر مورد بدرفتاری قرار می گیرند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰، ۱۴۹). در اکثر کشورها بیش از ۲۰ درصد زنان در معرض عواقب منفی و غیر ضروری ناشی از خشونت هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۹۸، ۱۸۰).

بررسی های انجام شده در برخی از کشورها نشان می دهد ۱۰ تا ۱۵ درصد از زنان بیان می کنند که توسط شرکای جنسی و نزدیک خود، برای داشتن رابطه جنسی - تحت فشار قرار می گیرند. در نقاط مختلف دنیا بین ۱۶- ۲۵ درصد از زنان از خشونتهای جسمی توسط شرکای مذکرشان در رنج بوده و حداقل یک زن از هر پنج زن در طول زندگی خود مورد تجاوز و یا در معرض آن قرار گرفته اند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰، ۲۶).

در محیط کار، حقوق زنان آسانتر اجرا می گردد، اما آزار جنسی بسیار معمول است. آزار جنسی در محل کار می تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواست های جنسی تعریف شود؛ مانند هنگامی که به یک کارمند زن گفته می شود که یا به یک برخورد جنسی رضایت دهد یا اخراج شود... بر پایه گزارش های شخصی، برآورد شده است که در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می گردند (گیدنز، ۱۳۸۳، ۲۱۹).

تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد. تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان های عمومی، خیابان و... احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهند کرد. پسنگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان مؤثر واقع شوند؛ به طوری که نتایج طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده، نشان می دهد یکی از عمده ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسأله در ردیف اولین دغدغه های زنان قرار گرفته است و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط های عمومی شده، حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با شکل مواجه می سازد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۲، ۱۳۸۸).

به هر حال، نکته درخور توجه این است که بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با احساس امنیت در افراد، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در سطح جامعه امکانپذیر نخواهد بود. بنابراین، شناخت این عوامل در ایجاد احساس امنیت اجتماعی،

از پیششرط های اساسی در برنامه هریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی است. مقاله حاضر به همین منظور و در پی شناسایی برخی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی انجام شده است.

مروری بر مطالعات پیشین

پژوهش انجام شده نشان داد بین سن، جنس، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و میزان درآمد و امنیت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. پژوهش های خوش فرم و کرامتی نشان داد میزان احساس امنیت در بین مردان بیش از زنان بوده است. سیدمیرزایی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای تحت عنوان « بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (فوت همسر و مطلقه) تحت پوشش سه سازمان حمایتی کمیته امداد امام (ره)، بهزیستی و بنیاد شهید در ابعاد امنیت عاطفی، ارتباطی، مالی و جانی» تکنیک تحلیل عامل نشان داد حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر بسزایی دارد. همچنین، در یافته ها رابطه بین سازمان حمایتگر و امنیت اجتماعی تأیید شد.

کامران و عبادتی نظری (1389) عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه های تهران را بررسی کرده اند . نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای طبقه اجتماعی، حمایت خانواده، پایبندی به آداب و رسوم قومی، سن و اعتماد به عملکرد قانون، پنج متغیر عمده ای هستند که بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی دانشجویان زن کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی 89 درصد از تأثیرات / مؤثرند. این پنج متغیر مجموعاً 89/5 متغیر وابسته را تبیین می کنند.

(نبوی و همکاران 1388 و 1389) در مقاله ای «تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی و هویت قومی بر احساس را بررسی کرد . احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش در سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی بررسی شده است. مهمترین یافته های تحقیق نشان داد که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش دهنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی قدرتی، اثر کاهنده ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثرگذارند.

میرزاحسینی (1388) در مقال های با عنوان " بررسی امنیت اجتماعی زنان قم " به بررسی این مقوله پرداخته است. وی می گوید پیامدهای عدم امنیت در بانوان، تنها به خود آنها محدود نمیشود، بلکه دامنه آن به فرزندان، خانواده ها، و در نهایت کل جامعه نیز سرایت می نماید. او بر اساس نتایج بیان می کند که در مجموع، پاسخگویان سطح متوسطی از احساس امنیت اجتماعی را نشان می دهند. همچنین، در بین مقیاس های اصلی امنیت اجتماعی، پاسخگویان بهترین وضعیت را در زمینه خانوادگی نشان می دهند. آنان در زمینه امنیت سیاسی، امنیت محیطی و امنیت سلامت، وضعیت متوسطی را گزارش کرده اند. بدترین وضعیت نیز به امنیت فرهنگی و امنیت اقتصادی تعلق دارد.

نوروزی و فولادی سپهر (1388) در پژوهشی تبیینی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان 15 تا 29 سال شهر تهران پرداخته اند. نتایج آماری آزمون ها نشان می دهد که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم، و متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می دهد که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده ای داشتند.

سنجش « زنگی آبادی و زنگنه (1390) نیز در مقاله احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای به نتایج مشابهی با تحقیق نوروزی و ، «کوچک و مرزی فولادی سپهر رسیده اند.

(نویدنیای 1382 و 1385) در مقاله ای به تأمل نظری در مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته است. وی پس از بررسی وجوه تمایز مفهومی امنیت اجتماعی از امنیت ملی و امنیت عمومی، بیان می کند که تحقق امنیت اجتماعی باعث گشایش درهای سازگاری و افزایش مراودات بین گروه ها و اقشار اجتماعی گوناگون می گردد و در مجموع قضای اجتماعی بازتری را ایجاد می کند.

براساس نظرات امنیت اجتماعی در بدو تولد با هدف امنیت بخشی برای گروه های قومی و مذهبی بزرگ که در سطح فراملی و فروملی نقش آفرینی می کردند، طرح شده است. کیم (2008) در مطالعه ای مفهوم امنیت اجتماعی را بررسی و سپس ارتباط پدیده مهاجرت را با پایداری منطقه ای با استفاده از مفهوم امنیت اجتماعی در آسیای مرکزی و روسیه بیان می کند. نتایج تحقیق کیم بیانگر این است که افزایش پدیده مهاجرت به مناطق مذکور موجب شده است که بازار کار ساکنان اصلی دچار مشکل شود و در نتیجه، پایداری داخلی در خطر افتاده و احساس امنیت اجتماعی مردم کاهش یافته است. الکسیو (2011) نیز در مقال های مشابه رویکرد کیم، مفهوم امنیت اجتماعی و مهاجرت را در روسیه بررسی کرده است. نتایج حاصل از تحقیق وی مؤید اظهارات کیم است.

صالح (2010) در رابطه با هویت و امنیت اجتماعی می گوید که جامعه حس هویت مشترک را ارائه می دهد و این هویت، اعضای جامعه را قادر می کند که خود را "ما" بنامند و موجب می شود که افراد یکدیگر را در سطح اجتماعی، ملی و تمدنی و دینی متعلق به یکدیگر بدانند. هنگامی که هویت ملی و دینی با خطر مواجه شود، احساس امنیت اجتماعی افراد جامعه زیر سؤال می رود. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی زمانی خدشه دار می شود که افراد احساس کنند هویتشان در معرض خطر و یا نابودی است.

(ادن -مورفیلد و همکاران 2007) در مقاله "از طلاق تا ازدواج مجدد" به بررسی میزان امنیت در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده اند، می پردازند. نتایج حاکی از این است که این زنان چالش های متعددی، بخصوص چالش های اقتصادی را تجربه کرده اند که همین قضیه تبعاتی مثبت و منفی نیز داشته است. مشکلات اقتصادی مهمترین عاملی بوده است که امنیت زنان را متأثر کرده است؛ اما با این وصف، از آنجایی که تلاش کرد هاند مسائل مالی را حل کنند، پس از ازدواج مجدد مشکلات مالی کمتری داشت ه اند و در نتیجه، میزان امنیت در میان آنها افزایش یافته است. غالباً فرض می شود که امنیت اجتماعی، مفهومی خنثی است و از لحاظ آزاد یهای سیاسی و حقوق انسانی برای مردان و زنان یکسان به کار برده می شود. به هرحال پیش فرض های مربوط به جنسیت خنثی می تواند دارای سوگیری باشد. با استفاده از یک مطالعه بین المللی و تحلیل درازمدت به این نتیجه می رسیم که نه حقوق انسانی و نه دموکراسی امنیت اجتماعی زنان را تضمین نمی کنند. به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد بود. با توجه به آن چه گفته شد مطالعه علمی و دقیق مقوله ی احساس امنیت اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و هم چنین توجه به تفاوت میزان احساس امنیتی که از سوی مردان و زنان در یک جامعه وجود دارد ضروری به نظر می رسد.

چارچوب نظری

آنچه اساس یک مطالعه اجتماعی را تعیین می کند چارچوب نظری است بر پایه چارچوب نظری، پژوهشگر در واقع یک زاویه نگرش برای خود انتخاب می کند (Lahsaiezadeh, 2006).

نظریه پردازان و محققان جامعه شناسی از ابتدای پیدایش، همواره به مقوله امنیت اجتماعی توجه داشته و حتی می توان ادعا کرد که دغدغه دانشمندانی نظیر آگوست کنت و امیل دورکیم رساندن جامعه به ثبات و نظم مطلوب بوده است. بر اساس تحلیل دورکیم مبنی بر پیدایش بی نظمی براساس خلل در آگاهی جمعی، می توان به این نتیجه رسید که در صورت بروز تهدیدات علیه فرهنگ مشترک اعضای یک جامعه، زمینه بروز نابهنجاری های اجتماعی فراهم می آید. از منظر جامعه شناسی

سطوح متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهمترین آنها امنیت در سطح خرد و کلان است (نادری و همکاران، 1388 بر این اساس، تعاریف مربوط به امنیت حداقل در سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. (بوزان) امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی هایی ارجاع می دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی نموده اند. از دیدگاه وی امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه های مختلف صنفی، قومی، محلی و ... در حفظ هستی و هویت خود. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می کند (گروسی، 1386: 29). دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش های جامعه می دانند. اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم، بنابراین می توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت. این نوع تعریف از امنیت شامل:

*امنیت حاصل فضای اجتماعی است؛

*این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را در بر نمی گیرد،

*امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی شود؛

*امنیت اجتماعی بر مجموع های از افراد تأکید می کند که عنصر یا عناصری ویژه، مانند: جنسیت، قومیت، مذهب و ... آنها را به هم مرتبط می سازد؛

*زمانی که ارزش های اتصال دهنده افراد تهدید گردد، امنیت اجتماعی متزلزل می شود. دسته سوم از تعاریف، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می ورزد (گروسی، 1386: 29). اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب "مردم، دولتها و هراس" به کار برد. وی امنیت اجتماعی را به قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است. بوزان امنیت اجتماعی را تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج مقوله ای امنیت در نظر آورده است. دیگر بخش های این رویکرد عبارتند: از امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست - محیطی (پانیک، ۲۰۰۹: ۲۹؛ کیم). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند، یا به عبارتی، با جنبه هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می کند که هویت گروهی او را شکل می دهد (نبوی و همکاران، 1389: 76؛ کالینز، ۲۰۰۲).

میتوان گفت که ممکن است در جامع هایی امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند، احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی های فشرده، به هیچ روی به منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت های شخصی نیست؛ برای مثال، اگر فرد مرفهی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی تأمین گردد، چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله: تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات (فیزیکی یا جسمی) درد، صدمه و مرگ، تهدیدات اقتصادی سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال، (تهدیدات حقوقی) زندانی شدن، فقدان آزادی بیان، تهدیدات موقعیتی) از دست دادن شغل، تنزل رتبه، تهدیدات اجتماعی) نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش های اخلاقی (تهدیدات فرهنگی) عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری رفتاری قرار می گیرند. به عقیده بوزان، عواملی که می توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت های آن برای ابراز هویت خود، متغیر باشند. به عقیده بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام ها، لباس ها، بستن مکان های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند. بنابراین، برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می شوند، ممکن است نظامی باشند، مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آنها، اما برخی دیگر نیز ممکن است غیر نظامی باشند، مانند محروم کردن از حقوق، زبان و آزادی دینی و شیوه پرستش (کیم، 2008 پرستش). در واقع آنچه باعث می شود گروه اجتماعی سامان گیرد، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه ای می بخشد

که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی، پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان "ما" یاد می کنند. برای مثال، ما مسلمان ها، ما زنان و ... حال هر عامل و پدیده ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می گردد. اگرچه دولت اکنون محمل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار میرود، با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه ها یا واحدهای جمعی که به عنوان واقعیت های سیاسی و اجتماعی شناخته شده اند، فهمیده می شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه های ملی، گروه های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می کند. از آنجا که همه جوامع یک تعداد از گروه های با هویت خاص خود را دارند، مثل زنان بنابراین، این گروه ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می آیند. طبق نظریات مکتب کوبنهاگن، زنان از جمله گروه های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود را دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه ها، تعهد مذهبی و ... می توانند در ایجاد احساس امنیت در آنها دخیل باشند؛ چنانکه این عوامل می توانند بر حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می کند، منتهی شوند.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق به منظور بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان صورت گرفت. در کلیدی ترین تعریف، احساس امنیت به عنوان فقدان هراس از اینکه ارزش های انسانی مورد حمله قرار گیرند و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی های مشروع تعریف گردید. بر اساس یافته های بدست آمده از این تحقیق بین میانگین احساس امنیت اجتماعی مردان و زنان تفاوت قابل ملاحظه ای وجود ندارد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین دینداری، سرمایه های فرهنگی، نگرش به حجاب، عزت نفس و وسایل امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی داری وجود دارد. نهاد دین در ایجاد توسعه امنیت اجتماعی نقش محوری دارد، به گونه ای که ابعاد اعتقادی، مناسکی و پیامدی دینداری با احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معنی داری دارند. این رابطه مثبت بوده و نشان می دهد که هر چه دینداری افراد (در این سه بعد) قوی تر باشد، میزان احساس امنیت اجتماعی آن ها بیش تر است، اما بعد تجربی دینداری فاقد ارتباط معنادار یا احساس امنیت اجتماعی در بین زنان بوده است. نتایج فرضیه ها نشان می دهد که متغیر نگرش به حجاب بیشترین میزان همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی زنان داشته است، در واقع حجاب تأثیر گذارترین متغیر بر احساس امنیت اجتماعی زنان است، عزت نفس ارتباط معناداری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد. این رابطه مثبت بوده است، یعنی هر چه زنان از عزت نفس بیش تری برخوردار باشند در جامعه احساس امنیت بیشتری خواهند داشت، در ایجاد احساس امنیت در جامعه نباید صرفاً بر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و ... تکیه کرد و با ایجاد خودباروری و نگرش مثبت به خود، هر فرد می تواند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی نقش موثری داشته باشد. همچنین هر چه زنان از وسایل ارتباط جمعی سنتی بیش تر استفاده کنند، احساس امنیت اجتماعی آن ها بیشتر می شود. این در حالی است که وسایل ارتباط جمعی مدرن ارتباط منفی معنادار با احساس امنیت اجتماعی زنان داشته است، یعنی روی هم رفته، استفاده از وسایل ارتباط جمعی سنتی باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی مدرن اثر کاهش دهنده احساس امنیت اجتماعی در زنان داشته است. شاید در این خصوص بتوان گفت که از آن جایی که رسانه های نوین چون: ماهواره و اینترنت تعاملات رو در رو را به کم ترین حد رسانده اند و باعث شکل گیری تجارب یا واسطه در افراد شده اند، در نتیجه افراد کنترل کمتری بر این روابط داشته اند و میزان اضطراب و ناامنی اجتماعی بیش تری دارند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که با توجه به این که مسئله احساس امنیت یکی از دغدغه های مشترک زنان می باشد که با عوامل فرهنگی و اجتماعی در جامعه پیوند خورده است، می توان به بالا بردن عزت نفس و افزایش میزان دینداری در زنان و استفاده بیش تر آن ها از رسانه های سنتی مانند تلویزیون و رادیو و سرمایه های فرهنگی و ابعاد آن، احساس امنیت اجتماعی بیش تری را برای آن ها به ارمغان آورد. در نهایت، ضروری به نظر می رسد که هر جامعه ای افزون بر تلاش برای

ایجاد امنیت در ابعاد گوناگون، تلاش ویژه ای برای ایجاد، توسعه و تثبیت احساس امنیت اجتماعی را آغاز کنند. در این میان لازم است توجهی ویژه بر احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه صورت گیرد زیرا عدم احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه بر کیفیت ایفای نقش های همسری و مادری آنان تاثیرگذار خواهد بود.

پیشنهاد :

۱- تلاش شود محتوای رسانه های جمعی به سمت و سویی کشیده شود که از ایجاد رعب و وحشت در مخاطبان جلوگیری شود؛ چراکه به گفته هیث و گیلبرت هرچه محتوای رسانه ها، بخصوص تلویزیون با خشونت بیشتری همراه باشد، عدم امنیت بیشتری ؛ ایجاد می کند.

۲- خانواده ها در ایجاد احساس امنیت برای اعضای خود نقش بسیار فعالی دارند که باید به آن توجه بیشتری شود. برای مثال، چنانکه در یک خانواده پنج نفره، چهار نفر از امنیت جانی برخوردارند، نمی توان حکم به امنیت جانی خانواده داد، زیرا عدم برخورداری یک نفر از اعضای خانواده از امنیت، موجب هول و هراس بقیه یا همان ناامنی اجتماعی خواهد شد. ۳- پایبندی به اعتقادات و مناسک مذهبی، از جمله: عواملی است که بر نحوه پوشش و ظاهر بانوان می تواند اثرگذار باشد و به نوبه خود بر احساس امنیت تأثیر بگذارد؛ چراکه پوشش تا اندازه ای می تواند به عنوان سدی در برابر ایجاد مزاحمت از سوی دیگران عمل کند

۳- اگر نیروی انتظامی تلاش نماید طوری در سطح جامعه حضور داشته باشد که نه به عنوان نیروی ایجاد ترس، بلکه عاملی برای احساس آرامش مردم باشد، می تواند با جلب اعتماد آنان نقش بیشتری را در ایجاد احساس امنیت ایفا کند.

منابع

- احمدی، یعقوب و عطاء اسمعیلی (۱۸۹). «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته ای در شهر مشهد» جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۸)، ۲ : ۱۹۰-۱۶۹.
- افشار، زین العابدین (۱۸۵)، «امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- امیر کافی، مهدی (۱۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، نمایه پژوهش، شماره ۱۸؛ ۱۰-۴۲.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی به ویراستاری مجتبی عطارزاده تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زنگی آبادی، ع. و زنگنه، م (۱۳۹۰) امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف) فصلنامه دانش انتظام، ش ۱۳، صص ۴۱-۶۵
- کوئن، بروس (۱۳۸۵). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- گروسی، سعیده (۱۸۶)، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۶-۳۹.
- Alexseev, Mikhail (2011). "Societal Security, the Security Dilemma, and Extreme Anti-Migrant Hostility in Russia", *Journal of Peace Research*, 48(4), p.p. 509-523.
- Caprioli, Mary (2004). "Democracy and Human Rights Versus Women's Security: A Contradiction?", *Security Dialogue*, Vol. 35, No. 4, p.p. 412-428.
- Collinz, Alan (2002) "Burma's Civil War: A Case of Societal Security", *Civil Wars Journal*, Vol. 5, No. 4, p.p. 119-134.
- Duna, V. & Dacian, Duna (2007) " War, Migration and Societal Security: The Case of The Iraq Kurdish Diasporas in Europe", *Political Studies*, Vol. 5, No. 2 p.p. 233-245.
- Eeden-Moorefield, B. & others (2007) "From Divorce to Remarriage: Financial Management and Security Remarried Women", *Journal of Divorce and Remarriage*, Vol. 47(3/4), p.p. 21-42.

- Hoogensen, G. & Svien Rottem (2004) "Gender Identity and the Subject of Security", *Security Dialogue*, Vol. 35, No. 2, p.p. 155-171.
- Kim, Seongjin (2008) "Concept of Societal Security and Migration Issues in Central Asia and Russia", *CAMMIC Working Papers*, No.2, p.p. 1-20.
- Moller, Bjorn (2000) «B», National, Societal and Human security: Discussion-Case study of the Israel- Palestine Conflict in <http://sociology82.blogfa.com>.
- Panik, Branka (2009). "Societal Security - Security and Identity", *Western Balkans Security Observer*, No. 13, p.p. 29-38.
- Saleh, Alam (2010) "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4, p.p. 228-241.
- Wolfers, Arnold (1962). *Discord and Collaboration, Essays on International Politics*, Baltimore, John Hopkin University Press